

## حکمرانی خوب؛ کلید توسعه آسیای جنوب غربی

دکتر حمیدرضا برادران شرکاء \*

سعید ملک الساداتی\*\*

### چکیده:

این مقاله ضمن مطالعه کیفیت حکمرانی در منطقه آسیای جنوب غربی، به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در این منطقه می‌پردازد و نشان می‌دهد که حکمرانی خوب از دو کانال می‌تواند در بهبود فضای کسب‌وکار و به تبع آن ارتقاء رشد اقتصادی مؤثر واقع شود. این دو کانال عبارتند از: حداقل کردن میزان اختلالات سیاستی و حداکثر ساختن سطح پیاده‌سازی سیاستهای مطلوب. نتایج مطالعه این فرضیه را تأیید می‌کند که بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب اثر مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه دارد و دو سازوکار رقابت و پاسخ‌گویی را به عنوان مکانیزم‌های مؤثر در بهبود حکمرانی منطقه معرفی می‌کند.

### واژگان کلیدی:

حکمرانی خوب، آسیای جنوب غربی، فضای کسب و کار، رشد اقتصادی

\*عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر گروه پژوهشی برنامه و بودجه معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک  
\*\* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد.

## مقدمه

نفت در دهه ۸۰ به همراه افزایش جمعیت منطقه درآمد سرانه را در بسیاری از کشورها به شدت کاهش داد. اما انتظارات مردم از دولت‌ها کماکان به قوت خود باقی مانده بود. وظایفی چون ایجاد اشتغال برای جوانان، آموزش و بهداشت رایگان، بهبود محیط کسب و کار و ... چالش‌های عمده‌ای بودند که دولت‌مردان کشورهای منطقه را به مبارزه می‌طلبیدند.

این وظایف خطیر باعث شد که الگوی توسعه پیشین که در آن دولت‌ها با اتکاء به ثروت حاصل از فروش نفت و از طریق ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی و اشتغال و فساداری مردم را جلب کرده و رأی می‌خریدند، دیگر راهگشا نباشد. از این‌رو ضروری است کشورهای منطقه به دنبال الگوی توسعه نوینی باشند که در آن دولت از طریق مشارکت و تعامل سازنده با نهادهای مدنی و بخش خصوصی، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم نماید. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌شود.

آسیای جنوب غربی منطقه‌ای است پهناور با جمعیتی قریب به ۵۳۰ میلیون نفر که در ۲۵ کشور سکنی گزیده‌اند. طبیعی است که مردمان ساکن در منطقه‌ای با وسعت ۱۲ میلیون کیلومتر مربع و برخوردار از شرایط اقلیمی متنوع از وضعیت رفاهی متفاوتی برخوردار باشند. اما با وجود تمامی این تفاوت‌ها عوامل مشترکی وجود دارد که این کشورها را به هم نزدیک می‌سازد. نخست اینکه تمام این کشورها با چالش‌ها و مشکلات نسبتاً مشابهی دست و پنجه نرم می‌کنند و دوم اینکه این مجموعه از کشورها از میراث نهادی و تاریخی مشترکی برخوردارند که مسیر حرکت آنها را به خود وابسته می‌دارد. در دهه ۷۰ با رونق به وجود آمده در درآمدهای نفتی، از یک‌سو سطح زندگی مردمان منطقه-کشورهای نفتی به طور مستقیم و سایر کشورها از طریق تراکنش‌ها و مبادلات تجاری- به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و از سوی دیگر به طور فزاینده‌ای بر تعهدات دولت‌های مربوطه افزوده شد. اما این رونق نفتی ادامه نیافت، کاهش بهای

حکمرانی خوب شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، بدون محدود شدن مبادلات بازار است.

### ۱- پیدایش نظریه حکمرانی خوب

جایگاه دولت و بازار و نیز ارتباط میان این دو نهاد کلیدی، مقوله‌ای است که همواره ذهن اقتصاددانان و سیاستمداران را به خود معطوف ساخته است. این ارتباط از قرن گذشته تاکنون با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه بوده است. اگرچه در سه ربع آغازین قرن بیستم، به دنبال مشاهده مصادیق شکست بازار<sup>۱</sup> و همچنین ناتوانی اقتصاد سرمایه‌داری در تأمین رفاه اجتماعی، الگوی توسعه مبتنی بر دولت به عنوان خط‌مشی اصلی اکثر اقتصادهای جهان حاکم گردیده و ایدئولوژی‌ها و نظام‌های دولت‌مدار به انحای مختلف از نظام‌های کمونیستی گرفته تا دولت‌های رفاه در دموکراسی‌های لیبرال، خودنمایی می‌کردند. اما آشکار شدن مصادیق شکست دولت ربع پایانی این قرن را جولانگاه رویکرد نئولیبرالیسمی ساخت که میدان مبارزه را از رقیب سوسیالیست شکست‌خورده خویش تهی می‌دید. توسعه

بازار محور هدفی بود که در این برهه از زمان از طریق سیاستهای تعدیل ساختاری دنبال می‌شد. تعدیل ساختاری بسته‌ای سیاستی بود که توسط نهادهای بین‌المللی و با هدف حرکت به سوی وضع طبیعی از طریق رهاسازی دست و پای اقتصاد از هر چه غیر نظام بازار است، به کشورهای در حال توسعه توصیه می‌گردید که البته در بسیاری از این کشورها با تجربه ناموفقی همراه بود. شاید مهمترین دلیل عدم موفقیت این سیاست‌ها را بتوان در ویژگی منحصربه‌فرد رویکرد نئوکلاسیک در دانش اقتصاد دانست که نگاه مدلی و ذره‌ای به عواملان اقتصادی داشته و به رابطه متقابل جامعه، تاریخ، فرهنگ ملل و شرایط اقلیمی با فلسفه اقتصاد بی‌توجه است.

دولت موافق بازار رویکرد جدیدی است که در اواسط دهه ۹۰ و پس از آزمون و شکست هر یک از دو رویکرد توسعه دولت‌محور و توسعه بازار محور، طرح گردیده است. این اندیشه نوین ضمن انتقاد از دیدگاه‌های پیشین، نه تنها جایگاه دولت و بازار را در مقابل یکدیگر ندیده بلکه برای آن دو نقش مکملی قائل است و دولت را نهادی اجتماعی و نهادساز

1 . Market Failure

معرفی می‌کند که قادر است با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیطی مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم نماید. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب تحت عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌شود. حکمرانی خوب شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، بدون محدود شدن مبادلات بازار است. این حکمرانی دربرگیرنده نظامی قانونی است که با بازار برای بهبود رقابت همکاری می‌کند. حکمرانی خوب همچنین به معنی نبود فساد است، چرا که فساد می‌تواند موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی حمایت‌کننده از بازار شود. (حبیبی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۳) بنابراین دستیابی به توسعه اقتصادی نه با دولت حداقل بلکه با اصلاح نهادهای دولتی میسر می‌شود.

۲- تعریف حکمرانی خوب

برنامه توسعه سازمان ملل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۷ حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکلهای منافع خود را ابراز نموده، حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات را با میانجی‌گری حل می‌نمایند.

در تعریف دیگر از یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. همچنین حکمرانی خوب را فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند. (قلی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۰)

---

1. UNDP

### ۳- شاخص‌های حکمرانی خوب

بدیهی است پیش از مطرح کردن هرگونه تحلیل نظری پیرامون ارتباط میان حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی باید قادر به سنجش کیفیت حکمرانی بود. بنابراین مسئله اصلی دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسب برای محاسبه کیفیت حکمرانی است به گونه‌ای که بتوان با استفاده از آن به بررسی نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی بر عملکرد اقتصادی پرداخت. در پاسخ به این نیاز سازمان‌های متعدد بین‌المللی با برشمردن ویژگی‌های متنوع برای کیفیت حکمرانی به تهیه شاخص‌های اقدام نموده‌اند. ما در این مطالعه از میان شاخص‌های موجود، توجه خود را به شش شاخص حکمرانی خوب که توسط مؤسسه بانک جهانی گردآوری شده است، متمرکز می‌کنیم. بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر ۳ مؤلفه زیر است:

- فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند

که دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و همین‌طور ثبات سیاسی ذیل این مؤلفه قرار می‌گیرند.

- ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست مؤلفه دوم است که دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت قوانین و مقررات را در بر می‌گیرد.

- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند نیز مؤلفه دیگری است که شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد را شامل می‌شود.

### ۴- تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی

حکمرانی خوب از طریق ایجاد ساختار انگیزشی مناسب نااطمینانی را در اقتصاد کاهش داده و از این رهگذر با افزایش کارایی به رشد اقتصادی بالاتر می‌انجامد. بدون ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، دامنه مبادلات بازاری کاهش می‌یابد؛ ساختار قوانین و مقررات نامناسب، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را تحلیل می‌برد؛ فساد سیاست‌های دولت را از اهداف واقعی‌اش منحرف می‌سازد و مشروعیت

نهادهای دولتی حامی بازار را کاهش می‌دهد. اگرچه در تئوری‌های رشد اقتصادی به مؤلفه‌هایی مانند میزان نمایندگی دولت‌مردان از جانب مردم، ثبات سیاسی (میزان ثبات رژیم و رهبران حاکم و احتمال تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ یا تغییر رهبران و دولت‌مردان)، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی‌اعتنایی دولت به قراردادهای فساد در دستگاه اداری، خطر مصادره دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، برخورداری مردم از حق اظهارنظر و نظارت بر اعمال حاکمان، کارآمدی دولت و ... که همگی تحت عنوان مؤلفه‌های حکمرانی شناخته می‌شوند، کمتر پرداخته می‌شود اما این مؤلفه‌ها قادرند در کنار سایر عوامل، قدرت توضیح‌دهندگی تئوری‌های رشد را در بیان دلایل تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها افزایش دهند. در ادامه به معرفی برخی از مهمترین کانال‌های ارتباطی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی می‌پردازیم.

۱- آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی هستند، موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. از سوی دیگر وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. طبیعی است در چنین شرایطی قدرت شهروندان و استقلال رسانه‌ها نقش مهمی در کنترل و زیرنظرگرفتن صاحبان قدرت و بنابراین پاسخگو نگاه داشتن آنها در برابر اقداماتشان ایفا خواهد کرد. از این رو خطای سیاستگذاران تحت کنترل اجتماعی قرار گرفته و کاهش می‌یابد.

در چنین شرایطی صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار هستند. حال آنکه در صورت نبود سازوکارهای نظارتی، شفافیت قوانین، مقررات و سیاست‌های دولت کاهش می‌یابد. این امر هزینه‌های کسب‌وکار را افزایش داده و از این رهگذر مانع توسعه کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود.

۲- وضعیت توأم با ثبات سیاسی را



می‌توان بنا به تعبیر السن<sup>۱</sup>، با قلمروی تحت حاکمیت راهزن ثابت و مستقر مقایسه کرد که دزدی خود را به شکل مالیات‌بندی معین و مقرر انجام می‌دهد و همزمان دزدی را در انحصار خویش نگه می‌دارد، در این صورت آنهایی که مجبور به پرداخت مالیات می‌شوند انگیزه‌ای برای تولید کردن خواهند داشت. (راغفر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹) حال آنکه شرایط بی‌ثباتی سیاسی که در آن دولت حاکم احتمال بقای خود را در مسند قدرت بسیار اندک می‌داند با قلمروی تحت حاکمیت راهزن سیار قابل قیاس است. بدیهی است در عالم راهزنی دریایی، انگیزه کمی وجود دارد که کسی چیزی تولید کند که ممکن است ربنده شود. بدیهی است درگیری‌های جناحی، نزاع‌های داخلی، ترور، کودتا و پدیده‌هایی مانند آن با از بین بردن ثبات سیاسی موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور می‌گردد و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

۳- منظور از اثربخشی دولت، توانایی

۴- تئوری استاندارد نئوکلاسیک، تصمیم‌گیری کارآفرینان و مدیران بخش خصوصی در مورد آغاز یک کسب‌وکار جدید را به معیار ارزش فعلی احاله می‌دهند. حال آنکه برخلاف این دیدمان، دنیای واقع دنیای بدون اصطکاکی نیست و نهادهای حاکم بر جامعه تأثیر به سزایی بر منافع و هزینه‌های یک فعالیت اقتصادی دارد. قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد یکی از مهمترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع

1. Mancur Olson

تأثیر بگذارد. قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه‌اندازی یک کسب‌وکار به اشکالی چون مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست‌وپاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری، بار مالیاتی بالا، هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، کارآفرینان عقلایی ممکن است از سرمایه‌گذاری دست بکشند. (اسویتلانا)<sup>۱</sup>

۵- حاکمیت قانون معرف میزان احترام عمل قائل شده توسط شهروندان و دولت‌مردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند. بنابراین تعریف زمانی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه قانون حاکم است که سه شرط تأمین شده باشد. شرط اول حمایت از افراد در مقابل دزدی، خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری است. شرط دوم حمایت در مقابل اقدام‌های خودسرانه دولتی است که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند و شرط سوم وجود

نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف است (بانک جهانی، ۱۹۹۷، ص ۱۰۲). تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت‌جویانه است و ناتوانی یک جامعه در فراهم آوردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادها به شیوه‌ای کارآ و کم‌هزینه، یکی از مهم‌ترین دلایل رکودهای تاریخی و همین‌طور توسعه‌نیافتگی‌های کشورهای جهان سوم است. (نورث<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹) وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد (که ممکن است دولت نیز باشد) از قراردادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می‌یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود.

۶- فساد به معنی استفاده از قدرت عمومی در جهت تأمین منافع شخصی یا گروهی آثار زیانباری بر رشد اقتصادی دارد. وجود فساد باعث تخصیص غیربهبینه استعدادهای جامعه می‌گردد. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه خصوصاً نیروی انسانی با استعداد به‌جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود، سعی

2. North

1. Svitlana



این شاخص‌ها حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون<sup>۱</sup> است که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون EIU<sup>۲</sup>، ICRG<sup>۳</sup>، بنیاد هریتیج<sup>۴</sup> و خانه آزادی<sup>۵</sup> پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی نموده‌اند (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). آنها کار خود را با این فرضیه آغاز کرده‌اند که «چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آنها حاکمیت در یک کشور اعمال می‌شود، در رشد و توسعه آن کشور مؤثرند». نتیجه کار این سه محقق در همگن‌سازی و تجمیع تمامی اطلاعات درباره یک کشور خاص، در قالب شش شاخص و با دادن نمراتی از ۲/۵- (بدترین حالت) تا ۲/۵+ (بهترین حالت) برای هر شاخص، قابل ارائه است. جدول (۱) مقادیر شاخص‌های

می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به‌طور بالقوه می‌توانند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند. علاوه بر این وجود فساد، جذابیت‌های اقتصاد را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. بنابراین وجود فساد قادر است درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرآیند تولید است، ناتوان سازد.

## ۵- ضرورت بهبود حکمرانی در منطقه آسیای جنوب غربی

پس از معرفی نظریه حکمرانی خوب و بیان تعاریف و شاخص‌های آن، در این قسمت به بررسی وضعیت حکمرانی در منطقه آسیای جنوب‌غربی خواهیم پرداخت. پیش‌تر از این اشاره کردیم که بانک جهانی حکمرانی خوب را در قالب شش شاخص کمی اندازه‌گیری می‌کند.

1. Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo Zoido-Lobaton  
2. Economist Intelligence Unit  
3. International Country Risk Group  
4. Heritage Foundation  
5. Freedom House

فوق را برای منطقه آسیای جنوب غربی این جدول ما را یاری می‌کند تا تصویری در خلال سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ ارائه می‌دهد. دقت در داده‌ها و اعداد مندرج در کیفیت آن به دست آوریم.

جدول (۱): شاخص‌های حکمرانی خوب در منطقه آسیای جنوب غربی

منطقه آسیای جنوب غربی	۱۹۹۶	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی	-۰.۹۴	-۰.۷۹	-۰.۸۱	-۰.۹۰	-۰.۸۹	-۰.۸۲	-۰.۸۰	-۰.۹۱
شاخص ثبات سیاسی	-۰.۴۸	-۰.۳۶	-۰.۳۰	-۰.۴۵	-۰.۴۸	-۰.۶۴	-۰.۶۱	-۰.۶۹
شاخص اثربخشی دولت	-۰.۲۱	-۰.۲۹	-۰.۲۸	-۰.۳۰	-۰.۲۵	-۰.۲۵	-۰.۳۰	-۰.۲۹
شاخص کیفیت قوانین و مقررات	-۰.۴۲	-۰.۴۹	-۰.۴۲	-۰.۳۵	-۰.۲۹	-۰.۲۹	-۰.۳۳	-۰.۲۷
شاخص حاکمیت قانون	-۰.۲۳	-۰.۱۸	-۰.۲۰	-۰.۲۵	-۰.۲۷	-۰.۲۷	-۰.۳۰	-۰.۳۲
شاخص کنترل فساد	-۰.۴۲	-۰.۲۸	-۰.۳۰	-۰.۲۴	-۰.۲۸	-۰.۳۳	-۰.۳۰	-۰.۳۱

منبع: مؤسسه بانک جهانی و محاسبات محققین

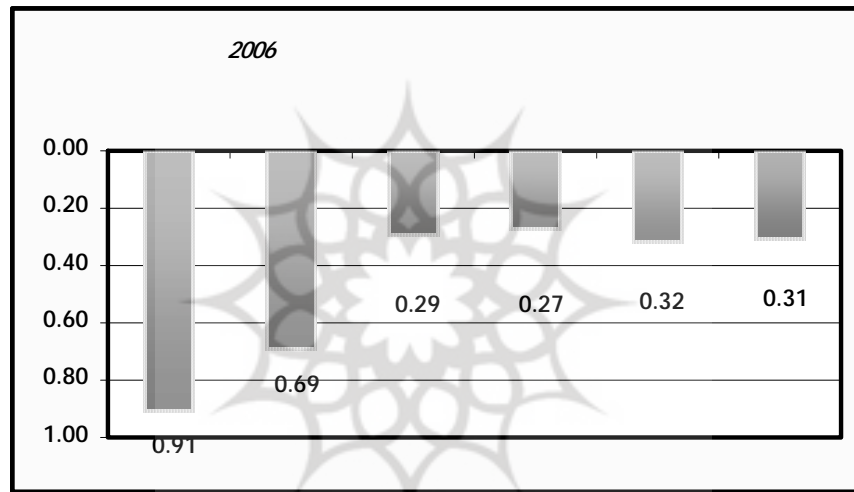
- با مشاهده جدول فوق درمی‌یابیم که:
- ۱- علامت هر شش شاخص فوق برای منطقه آسیای جنوب غربی منفی است که این امر با توجه به دامنه امتیازدهی ۲/۵- تا ۲/۵+ نشان‌دهنده وضعیت بد و نامطلوب حکمرانی در منطقه است.
  - ۲- شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی در تمامی سالها، از وضعیت به مراتب نامطلوب‌تری نسبت به سایر شاخص‌های حکمرانی برخوردار است.
  - ۳- پس از شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی این شاخص ثبات سیاسی است

که وضعیتی بحرانی دارد. نکته قابل اعتنا و بسیار کلیدی این است که این شاخص از وضعیت روبه افولی برخوردار بوده به طوری که مقدار آن از ۰/۴۳- در سال ۱۹۹۶ به ۰/۶۴- در سال ۲۰۰۶ کاهش یافته است.

۴- سایر شاخص‌های فوق از تغییرات قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده اما در عین حال وضعیت مناسبی نیز ندارند. همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود در سال ۲۰۰۶ شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی و ثبات سیاسی به ترتیب از کمترین مقادیر برخوردارند که این بیانگر وضعیت نامطلوب منطقه آسیای جنوب غربی از نظر آزادی‌های مدنی و همین‌طور ثبات سیاسی است. مقایسه وضعیت شاخص‌های حکمرانی منطقه با سایر مناطق جهان نیز این وضعیت بحرانی را به خوبی نشان می‌دهد. به عنوان مثال در نمودار (۲) می‌بینیم که

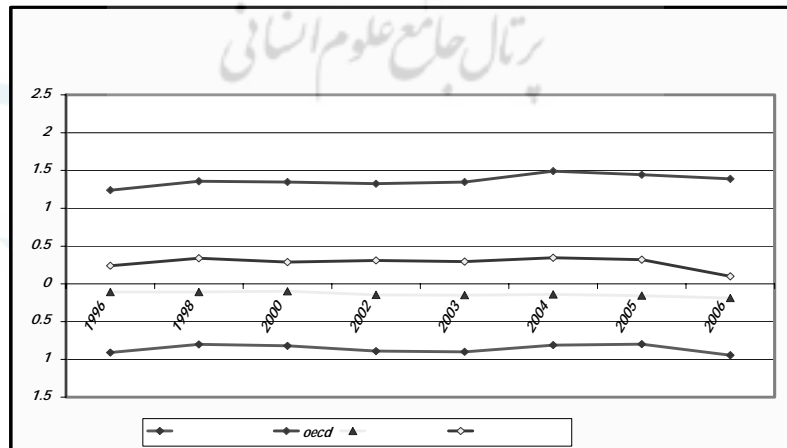
برای دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی به طور معناداری از متوسط کشورهای OECD، متوسط جهانی و متوسط کشورهای جنوب شرق آسیا پایین‌تر است. این اختلاف در مورد سایر شاخص‌ها نیز به چشم می‌خورد. نمودار (۳) اختلاف میان تک‌تک شاخص‌های حکمرانی را در سال ۲۰۰۶ برای منطقه جنوب غرب آسیا با جنوب شرق آسیا مقایسه می‌کند. همانطور که مشاهده می‌شود خط سبز رنگ که معرف کشورهای جنوب غرب آسیا است توسط خط قرمز رنگی که معرف منطقه جنوب شرق آسیا است محاط گردیده است. این نمودار به خوبی نشان می‌دهد که منطقه به لحاظ جمیع مؤلفه‌های حکمرانی خوب امتیاز کمتری از کشورهای جنوب شرق آسیا به دست آورده است.

نمودار(۱): مقایسه شاخص‌های حکمرانی در منطقه آسیای جنوب غربی (سال ۲۰۰۶)



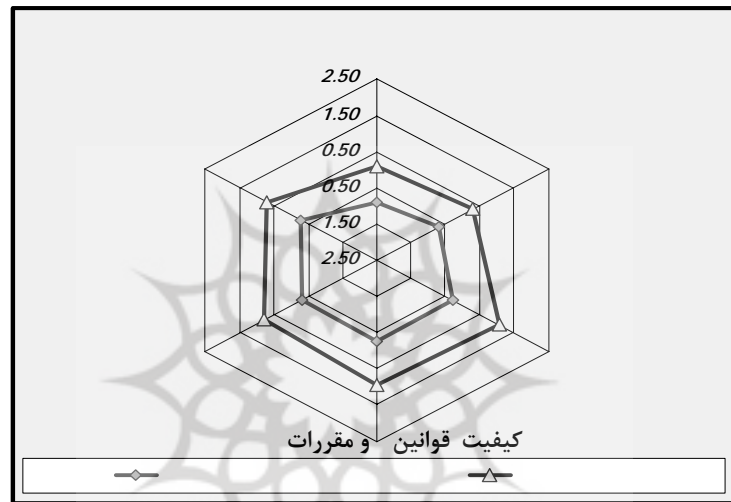
منبع: مؤسسه بانک جهانی و محاسبات محققین

نمودار(۲): مقایسه شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی در مناطق مختلف جهان



منبع: مؤسسه بانک جهانی و محاسبات محققین

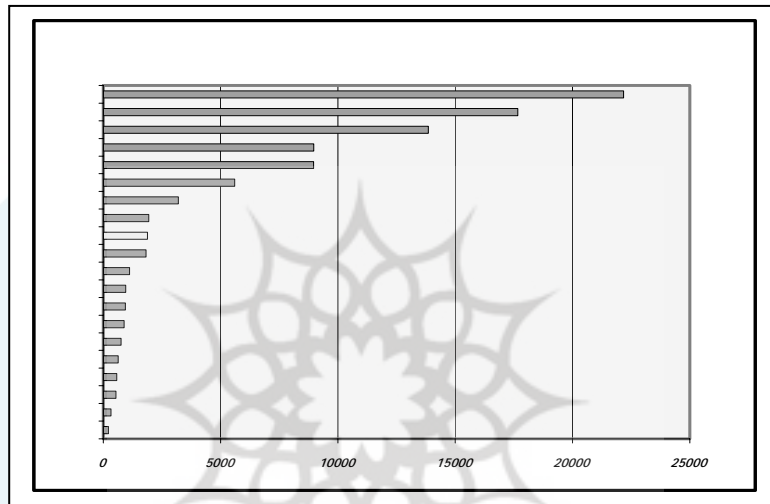
نمودار(۳): مقایسه جنوب غرب و شرق آسیا از نظر شاخص‌های حکمرانی خوب



منبع: مؤسسه بانک جهانی و محاسبات محققین

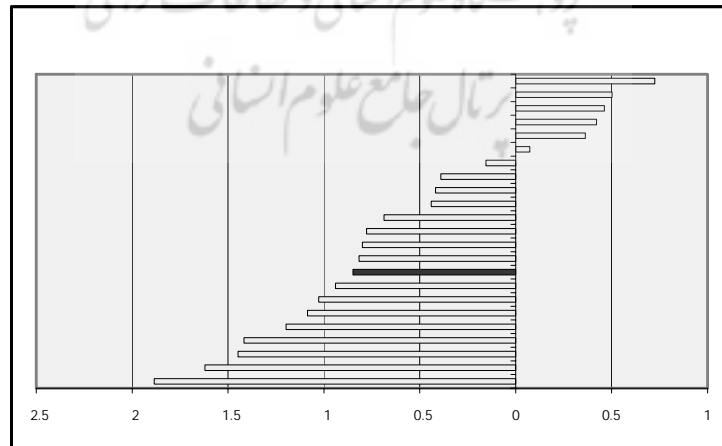
سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود: ارائه داده‌اند؟ اگر به نمودارهای (۴) و (۵) این است که اصولاً چه ارتباطی میان کیفیت حکمرانی و عملکرد اقتصادی در سرانه بالاتر، مانند امارات متحده عربی، کشورهای منطقه وجود دارد؟ و یا اینکه کویت، عمان و بحرین سطوح حکمرانی آیا مناطقی که از کیفیت بهتر حکمرانی مطلوب‌تری برخوردارند. بهره‌مند هستند کارنامه اقتصادی بهتری

نمودار(۴): مقایسه درآمد سرانه کشورهای منطقه



منبع: بانک جهانی و محاسبات محققین

نمودار(۵): مقایسه کیفیت حکمرانی کشورهای منطقه



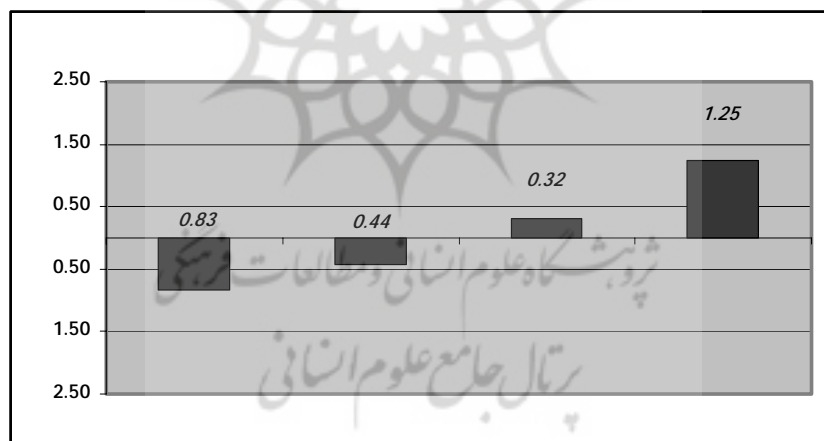
منبع: مؤسسه بانک جهانی و محاسبات محققین



چنین قیاسی قابل تعمیم به مقیاس جهانی نیز می‌باشد. مطابق با نمودار (۶) در میان کشورهای جهان همبستگی بسیار بالایی میان کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی مشاهده می‌شود به طوری که مقدار شاخص کلی کیفیت حکمرانی در سال ۲۰۰۶ برای کشورهای کم‌درآمد به

طور متوسط معادل ۰/۸۳- است. این شاخص به ترتیب برای کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین، با درآمد متوسط رو به بالا و پردرآمد به طور متوسط برابر با ۰/۴۴-، ۰/۳۲ و ۱/۲۵ محاسبه شده است.

نمودار(۶): مقدار شاخص کلی حکمرانی در گروه‌های مختلف درآمدی



منبع: مؤسسه بانک جهانی و محاسبات محققین

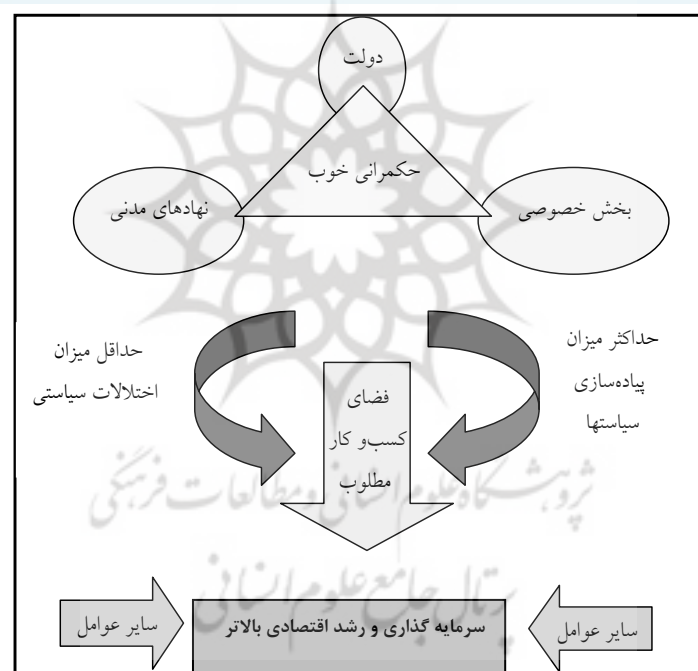
امکانات، هزینه‌ها و محدودیت‌هایی اطلاق می‌شود که سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب‌وکار با آن مواجه هستند. حکمرانی خوب و مجموعه مکانیزم‌های آن از دو طریق می‌تواند در بهبود فضای کسب‌وکار

همانطور که در بخش نظری اشاره شد، حکمرانی خوب نقش غیر قابل انکاری در بهبود فضای کسب‌وکار<sup>۱</sup> ایفا می‌کند. فضای کسب‌وکار به مجموعه محرک‌ها،

1. Business Environment

مؤثر واقع شود. همانطور که در نمودار (۷) حداکثر ساختن سطح پیاده‌سازی مشاهده می‌شود، این دو راه عبارتند از سیاستهای مطلوب. حداقل کردن اختلالات سیاستی و

نمودار (۷): مکانیزم‌های اثرگذار حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی



با بررسی برخی از متداول‌ترین شاخص‌های سرمایه‌گذاری خصوصی درمی‌یابیم که دامنه فعالیت و میزان مشارکت بخش خصوصی در منطقه آسیای جنوب غربی به ترتیب در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ معادل ۲/۲۸ و ۲/۱۲ بوده است که این نسبت در مقایسه با اعداد ۹/۸۲ و ۶/۵۲ برای کشورهای

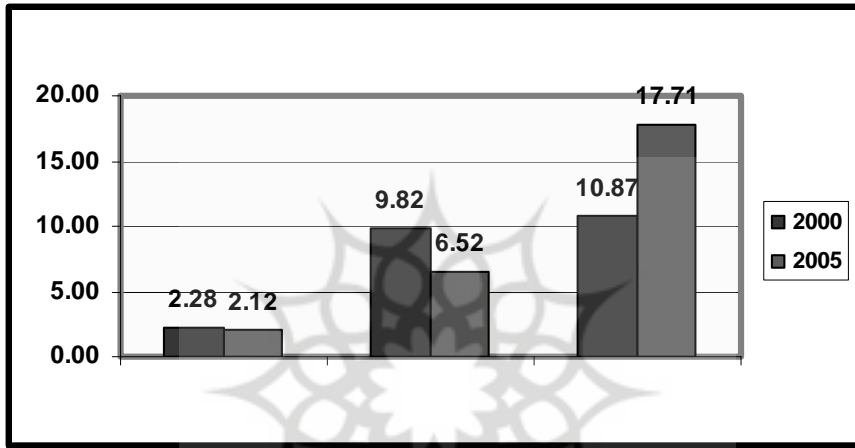
با بررسی برخی از متداول‌ترین شاخص‌های سرمایه‌گذاری خصوصی درمی‌یابیم که دامنه فعالیت و میزان مشارکت بخش خصوصی در منطقه آسیای جنوب غربی به ترتیب در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ معادل ۲/۲۸ و ۲/۱۲ بوده است که این نسبت در مقایسه با اعداد ۹/۸۲ و ۶/۵۲ برای کشورهای

آمریکای لاتین و اعداد ۱۰/۸۷ و ۱۷/۷۱ آنکه همتای وی در جنوب شرق آسیا برای کشورهای جنوب شرق آسیا به شدت مأیوس کننده است. نمودار (۹) نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی را در منطقه آسیای جنوب غربی با جنوب شرق آسیا و کشورهای OECD مقایسه می‌کند. این نسبت در منطقه آسیای جنوب غربی برای سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به ترتیب ۳/۲۴ و ۴/۰۵ بوده است که در مقایسه با ۸/۳۸ و ۶/۲۱ درصد در جنوب شرق آسیا و ۱۳/۳۹ و ۵/۱۲ درصد در کشورهای OECD نشان از توان پایین منطقه در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد.

در نهایت می‌توان به برخی از شاخص‌های آسانی شروع کسب و کار اشاره کرد. همانطور که در نمودار (۱۰) مشاهده می‌کنید، یک کارآفرین در جنوب غرب آسیا برای راه‌اندازی یک فعالیت تجاری لازم است به طور متوسط ۱۱/۱۸ مرحله اداری را طی نماید که این مراحل به طور میانگین ۴۰/۱۲ روز زمان می‌برد. حال

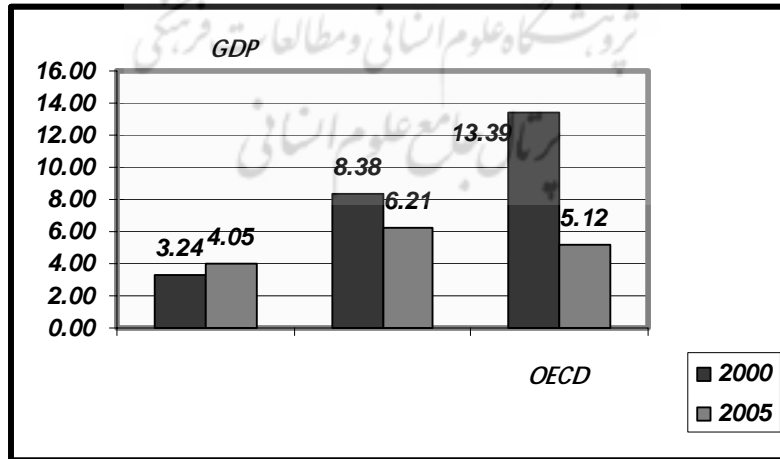
آنکه همتای وی در جنوب شرق آسیا برای راه‌اندازی فعالیتی مشابه به طور متوسط ۸/۷۵ مرحله اداری را با صرف ۲۷ روز سپری می‌نماید. این دو شاخص برای کشورهای OECD به طور میانگین ۶/۶۷ مرحله و ۱۶/۵ روز می‌باشد. می‌بینیم که راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی جدید در جنوب غرب آسیا در مقایسه با شرق آسیا به مراتب زمان برتر و پیچیده‌تر است. طبیعی است چنین محدودیت‌هایی با ایجاد هزینه‌های مبادلاتی انگیزه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. بنابراین از آنجایی که سرمایه‌گذاری خصوصی به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی نسبت به فضای کسب و کار بسیار سریع واکنش نشان می‌دهد، ضروری است زمامداران کشورهای منطقه اراده و تلاش خود را به کاهش موانع سرمایه‌گذاری معطوف نمایند تا از این طریق بتوانند رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورهای خویش را بهبود ببخشند.

نمودار (۸): مقایسه نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به دولتی

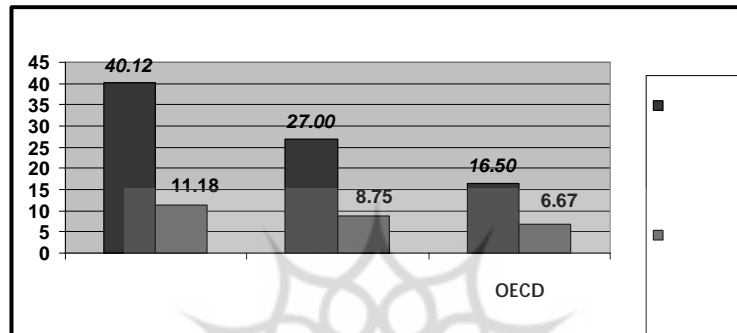


منبع: بانک جهانی و محاسبات محققین

نمودار (۹): مقایسه نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی



منبع: بانک جهانی و محاسبات محققین



منبع: بانک جهانی و محاسبات محققین

که در جدول (۲) ارائه شده، نشان می‌دهد که نه تنها شاخص کلی حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد بلکه علاوه بر آن هر یک از شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. به طوریکه به عنوان مثال، با فرض ثبات سایر شرایط یک درصد بهبود در شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، ۰/۲۱ درصد رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. یک درصد بهبود در شاخص حاکمیت قانون، رشد اقتصادی را ۰/۱۷ درصد افزایش می‌دهد.

#### ۶- آیا بهبود حکمرانی می‌تواند رشد اقتصادی را در منطقه افزایش دهد؟

در بخش چهارم با تکیه بر نظریات اقتصادی به این نتیجه رسیدیم که حکمرانی خوب از طریق بهبود فضای کسب‌وکار قادر به ارتقاء رشد اقتصادی است. مشاهدات آماری و اطلاعات ارائه‌شده در قالب نمودارهای بخش پنجم نیز وجود این ارتباط را تقویت می‌نماید. حال به منظور ارائه پاسخ نهایی به پرسش فوق، با استفاده از ابزار اقتصادسنجی وجود این ارتباط را در میان کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا آزمون می‌کنیم. نتایج حاصل از برآوردهای اقتصادسنجی

## جدول (۲) نتایج برآوردهای اقتصادسنجی

متغیرهای توضیحی	متغیر وابسته: لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس معیار برابری قدرت خرید							
	رگرسیون ۱	رگرسیون ۲	رگرسیون ۳	رگرسیون ۴	رگرسیون ۵	رگرسیون ۶	رگرسیون ۷	رگرسیون ۸
عرض از مبدأ	۸/۲۳ (۷/۲۱)	۷/۱۹۲ (۷/۴۶)	۸/۶۵ (۱۰/۵۶)	۸/۴۳ (۱۱/۶۳)	۸/۵۴ (۱۲/۱۳)	۸/۶۴ (۱۲/۴۶)	۸/۸۵ (۱۳/۲۸)	۸/۲۳ (۱۰/۱۷)
موجودی سرمایه سرانه	۰/۳۱۲ (۲/۱۲)	۰/۱۲۵ (۲/۴۶)	۰/۱۸۶ (۲/۲۸)	۰/۲۱ (۲/۰۶)	۰/۱۱۷ (۲/۲۹)	۰/۲۱ (۲/۱۴)	۰/۱۶ (۲/۲۵)	۰/۱۹ (۲/۳۵)
مخارج دولت	۰/۱۱۵ (۱۳/۰۴)	۰/۰۹۷ (۱۳/۳۴)	۰/۰۱۸ (۳/۱۲)	۰/۰۲ (۳/۴۷)	۰/۰۱۶ (۳/۶۳)	۰/۲۰ (۳/۹۳)	۰/۰۱۶ (۳/۲۵)	۰/۰۱۹ (۳/۱۵)
نرخ ثبت نام ناخالص در مدارس متوسطه	۰/۰۰۷ (۳/۹۹)	۰/۰۰۷ (۴/۱۲)	۰/۰۰۷ (۳/۴۲)	۰/۰۰۸ (۲/۰۸)	۰/۰۰۹ (۴/۴۵)	۰/۰۰۸ (۲/۳۵)	۰/۰۰۷ (۳/۴۷)	۰/۰۰۷ (۳/۵۹)
شاخص کلی کیفیت حکمرانی		۰/۱۴۸ (۲/۷۲)	---	---	---	---	---	---
شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی			۰/۲۳ (۳/۱۳)	---	---	---	---	---
شاخص ثبات سیاسی				۰/۰۷ (۲/۰۴)	---	---	---	---
شاخص اثربخشی دولت					۰/۱۶ (۲/۱۴)	---	---	---
شاخص کیفیت قوانین و مقررات						۰/۰۳۷ (۱/۹۹)	---	---



جدول (۲) : ادامه

شاخص حاکمیت قانون							۰/۱۶ (۳/۸۴)	---
شاخص کنترل فساد								۰/۳۱ (۳/۸۷)
R2 تعدیل شده	۰/۹۸۶	۰/۹۸۷	۰/۹۵۶	۰/۹۵۱	۰/۹۴۳	۰/۹۴۹	۰/۹۲۵	۰/۹۵۹

حکمرانی باید ۳ مقوله مهم را مدنظر داشت که عبارتند از: حوزه‌های حکمرانی، فرآیندهای بهبود حکمرانی و سازوکارهای بهبود حکمرانی.

در خصوص حوزه‌های حکمرانی باید گفت که حکمرانی در هر یک از سطوح شهری، شرکتی، مؤسسات دولتی و ملی مطرح می‌شود که البته در اینجا ما بحث خود را به حکمرانی ملی معطوف کرده و درصدد بسط و تعمیم آن به حکمرانی خوب منطقه‌ای هستیم. بدین منظور ابتدا باید بر فرآیندهای بهبود حکمرانی تمرکز کرد. نکته‌ای که می‌تواند به عنوان مانعی جدی در بهبود حکمرانی به شمار آید، ضمانت اجرای آن است. به عبارتی دیگر

نتایج حاصل از برآورد تجربی نیز یافته‌های تئوریک ما را تأیید می‌کند، بنابراین می‌توان با قطعیت به پرسش فوق پاسخ مثبت داد. یعنی بهبود حکمرانی رشد اقتصادی را در منطقه آسیای جنوب غربی افزایش می‌دهد. این نتیجه سؤال دیگری را در پی خواهد داشت و آن سؤال این است که با توجه به نقش کلیدی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، راهکارهای بهبود حکمرانی در منطقه چیست؟

#### ۷- راهکارهای بهبود حکمرانی

حکمرانی خوب مدینه فاضله‌ای است که دستیابی کامل به آن بسیار دشوار است، اما برای حرکت در جهت بهبود

حتی اگر بپذیریم که در صورت پیاده شدن حکمرانی خوب همه منافع مطلوب محقق می‌شوند، به هیچ وجه مشخص نیست که کشورهای درحال توسعه آن را بپذیرند یا بتوان آنها را ترغیب کرد که آن را اجرا کنند. مشکل اصلی در بهبود حکمرانی این است که گروه‌های همسود و کسانی که قدرت را در اختیار دارند از وضعیت موجود سوء حکمرانی منتفع می‌شوند و نمی‌توان به تنهایی از آنها انتظار داشت که گامی جدی در جهت بهبود یکی از شاخص‌ها بردارند برای بهبود حکمرانی باید تعاملی نزدیک میان مصرف‌کنندگان، ارائه‌کنندگان خدمات، سیاستگذاران و کارشناسان آگاه به وجود آید. فرمول ساده بهبود حکمرانی عبارتست از:

تعمیق آگاهی‌های عمومی + اراده سیاسی + ظرفیت سازی + اجماع جمعی

نقطه آغاز اصلاح حکمرانی درک و شناخت جامعه از مشکلات و عوارض سوء حکمرانی از طریق تحریک افکار عمومی به نفع اصلاحات است. گام دوم شکل‌گیری اراده سیاسی به طرفداری از اصلاحات حکمرانی است. این عامل به عنوان مهمترین پیش شرط اصلاحات حکمرانی مطرح است. در این مرحله باید تعهد عمومی و اراده سیاسی در جهت افزایش رقابت، پاسخ‌گو کردن حکومت و افزایش شفافیت ایجاد گردد. گام سوم ظرفیت‌سازی است که توسط کمیته‌هایی متشکل از بالاترین سطوح رهبری انجام می‌گیرد و در نهایت گام چهارم اجماع و توافق جمعی است که از طریق مشارکت و اعتلاء در تمام سطوح جامعه خصوصاً سطوح پایین آن انجام می‌گیرد.

دو سازوکار رقابت و پاسخ‌گویی باعث بهبود عملکرد هر نهادی از جمله نهاد دولت می‌شود. رقابتی کردن گامی است که موجب می‌شود همه شهروندان از حقوق و فرصت برابری بهره‌مند شوند. و پاسخ‌گویی فرآیندی است که می‌تواند دامنه سیاست‌های اختلال‌زا را کاهش داده و اقدامات سیاستگذاران و دولت‌مردان را در جهت اجرای سیاستهای موافق بازار و

- رشد اقتصادی هدایت نماید. پاسخ‌گویی
- امکان ورود همگانی برای تصدی در دو سطح پاسخ‌گویی بیرونی و پست‌های انتخاباتی
  - پاسخ‌گویی درونی مطرح می‌شود. مراد از پاسخ‌گویی بیرونی، پاسخ‌گویی دولت و ارکان آن در همه سطوح به مردم است و منظور از پاسخ‌گویی درونی، پاسخ‌گویی مأموران دولتی به مقامات مافوق در هرم مدیریتی است. این پاسخ‌گویی شامل ابزارهای بازرسی و موازنه قدرت<sup>۱</sup> است. با توجه به مطالب فوق، کشورهای منطقه چگونه می‌توانند با کمک دو سازوکار رقابت و پاسخ‌گویی کیفیت حکمرانی خود را ارتقاء دهند. در ادامه به برخی از مهمترین راهکارهای بهبود رقابت و پاسخ‌گویی اشاره می‌شود.
  - مجموعه اقداماتی که به منظور تقویت رقابت به کشورهای منطقه توصیه می‌شود عبارتند از:
    - انتشار علنی و گسترده اطلاعات در مورد اقدامات دولت و تشویق مباحثات عمومی
    - برگزاری انتخابات آزاد و منظم و تکمیل آن با برخی اشکال مشارکت مانند نظر سنجی از شهروندان
    - تقویت احزاب و گسترش سازمان‌های غیر دولتی
    - تشویق به ایجاد رسانه‌های مستقل و مسئول و حضور گروه‌های نظارتی

---

1. Cheek and Balance

- شهروندان
- اندازه‌گیری مستمر کیفیت حکمرانی و انتشار گسترده آن
- مجموعه اقداماتی که به منظور تقویت پاسخ‌گویی درونی به کشورهای منطقه توصیه می‌شود عبارتند از:
- تقویت اقتدار و قانون‌مندی مجلس نمایندگان در نظارت بر قوه مجریه و امور عمومی
- استقلال دستگاه قضائی و به کارگیری شیوه‌های شفاف در استخدام قضات
- ارتقای ظرفیت حرفه‌ای مجلس و قوه قضائیه
- تقویت سایر نهادهای نظارتی درون حکومت
- بدیهی است در هر یک از موارد فوق کسب تجربه از نمونه‌های موفق در میان کشورهای منطقه و حتی کشورهای سایر مناطق گامی اساسی است که هزینه‌های بهبود و اصلاح حکمرانی را کاهش می‌دهد. در نهایت باید گفت که حکمرانی خوب تصادفی اتفاق نمی‌افتد و
- ساختن نهادهای حکمرانی رقابتی و پاسخ‌گو فرآیندی دشوار و زمان‌بر است. حرکت در این مسیر مستلزم تغییر سنت‌های دیرپا، مبارزه با گروه‌های ذینفع و مشارکت شهروندان است. اگر بازیگرانی چون دولت، بازار و نهادهای مدنی دست در دست هم دهند، همه جامعه از نتایج رشد سریع‌تر، توسعه انسانی بالاتر، جامعه‌ای مطلوب‌تر و حکمرانی مردم‌بر خودشان بهره‌مند می‌شوند.
- ۸- پیشنهادات**
- نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها شاخص کلی حکمرانی خوب تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی دارد، بلکه علاوه بر آن در این کشورها هر یک از شش شاخص حکمرانی خوب نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. بنابراین با توجه به سطح رفاه و رشد اقتصادی پایین در منطقه، پیشنهاد می‌گردد دولت‌مردان و سیاستگذاران این کشورها جهت ارتقاء رشد اقتصادی توجه

بیشتری به ابعاد مقوله حکمرانی خوب به شرح ذیل داشته باشند:

۱- پیشنهاد می‌شود دولت‌مردان کشورهای منطقه با استفاده از سازوکارهای رقابت و پاسخ‌گویی از استقرار نهادهای مدنی و افزایش قدرت شهروندان برای به نقد کشیدن سیاست‌های نابه‌جای دولت، استقبال و حمایت نموده و از این رهگذر به ارتقاء رشد اقتصادی کمک نمایند.

دولتی و کیفیت پایین اجرای آن به دلیل محدودیت‌هایی که برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌نماید و هزینه‌های اضافی که به بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران تحمیل می‌کند، به عنوان مانعی جدی برای تولید و سرمایه‌گذاری مطرح است. بنابراین به نظر می‌رسد تجدید نظر در قوانین و مقررات اقتصادی از ضروری‌ترین اقدامات برای بهبود فضای کسب و کار و افزایش رشد اقتصادی باشد.

۲- بی‌ثباتی و تنش‌های سیاسی عاملی است که بیش از هر چیز عملکرد اقتصادی منطقه را تحت الشعاع خود قرار داده است. بنابراین تلاش برای از بین بردن احتمال بروز بی‌ثباتی سیاسی در منطقه امری است که به منظور افزایش رشد اقتصادی توصیه می‌شود. ایجاد انسجام و وحدت میان اقوام و گروه‌های مختلف، و تلاش در جهت افزایش ویژگی نمایندگی دولت و مجلس، می‌تواند به برقراری ثبات سیاسی یاری رساند.

۳- حجم بالای قوانین و مقررات

#### منابع:

- ۱- اولسن، مانسر؛ استبداد، مردم‌سالاری و توسعه؛ در راغفر، حسین؛ دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی؛ انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۲- ایوانز، پیتر و جیمز راج (۱۹۹۹)؛ بوروکراسی و رشد اثر ساختارهای دولت «وبری» بر رشد اقتصادی: یک تحلیل مقطعی- ملی؛ ترجمه فریبا مؤمنی؛ مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد، فصلنامه اقتصاد سیاسی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۵.

- ۳- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ ۷- نورث، داگلاس سی (۱۹۹۹)؛ شناخت عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران؛ جستارهای اقتصادی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۳.
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲ بانک جهانی، نهادسازی برای بازار؛ ترجمه علی حبیبی؛ ۱۳۸۵.
- ۵- قلی‌پور، رحمت‌ا...؛ حکمرانی خوب و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران (۲)، مجموعه سخنرانی‌ها؛ موسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه؛ ۱۳۸۴.
- ۶- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛ گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۷ بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول؛ گروه مترجمان؛ ۱۳۷۸.
- ۷- نورث، داگلاس سی (۱۹۹۹)؛ شناخت فرآیند تحول اقتصادی؛ در راغفر، حسین؛ دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی؛ انتشارات نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۲.
8. Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi: "The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics", World Bank Policy Research Working Paper 4149, March 2007.
9. Kaufmann, Daniel and Aart Kraay (2001). "Growth Without Governance". *Economia*, Fall 2002 Issue  
<http://www.worldbank.org/wbi/governance/pdf/growthgov.pdf>.
10. Sviltana, Taran, "Property Rights, Institutions and Private Sector Development in Transition Countries", A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of National University of "Kyiv-Mohyla Academy"